فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه توسعه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۳، تابستان ۱۳۹۹، صفحات ۱۵۹-۱۲۵
نوع مقاله؛ مقاله پژوهشی

تحلیل پیوند همیاری و توانمندی در بین زنان روستایی (موردمطالعه: صندوق‌های قرض‌الحسنه خویشاوندی-همسایگی دهستان تنگ‌سیاب، کوهدشت)

داریوش رضاپور* ، رحمان باقری**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۳۱

چکیده

توانمندسازی مالی زنان روستایی و مشارکت آنان در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از مهم‌ترین عوامل دستیابی به توسعه پایدار روستایی است. یکی از رایج‌ترین طرح‌های توانمندسازی که در قالب نظام اعتبارات خُرد در ایران مطرح می‌باشد، صندوق‌های قرض‌الحسنه است. در سال‌های اخیر گونهٔ جدیدی از آن‌ها در نقاط روستایی شکل‌گرفته‌اند که مبتنی بر پیوندها و شبکه‌های غیررسمی بوده و با مدل‌های رایج تفاوت دارند. هدف نوشتار حاضر، پی بردن به کارآیی صندوق‌های مبتنی بر روابط خویشاوندی- همسایگی در رشد توانمندی زنان دهستان تنگ‌سیاب شهرستان کوهدشت است؛ پس ضمن الهام از تعاریف و رویکردهای توانمندسازی، با بهره‌گیری از روش کیفی و از طریق فنون مصاحبه نیمه ساخت‌یافته و عمیق، مشاهده مشارکتی و بحث گروهی متمرکز با ۲۳ نفر که با نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند، به گردآوری داده‌ها پرداخته شده است. مصاحبه‌ها ضبط و نوشته‌شده و با روش تماتیک، تحلیل شدند و درمجموع، ۴۸ مفهوم و ۹ مقوله بدست آمد. بر اساس یافته‌ها، تشکیل و عضویت در این صندوق‌ها می‌تواند به درآمدزایی و سهیم‌شدن زنان در دارایی‌های خانواده، افزایش قدرت تصمیم‌گیری در خانواده و روستا، بهبود باورهای عمومی نسبت به زنان، حفظ و تداوم کار گروهی و گسترش آن به امور دیگر منجر شود. ازاین‌رو صندوق‌های یادشده، با بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان زمینهٔ دستیابی به سطوحی از توانمندی را تسهیل می‌سازند.

واژه‌های کلیدی: *صندوق‌های قرض‌الحسنه، روابط خویشاوندی-همسایگی، اعتبارات خُرد، توانمندی زنان، همیاری*

---

* استادیار علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول). d.rezapour@gmail.com
** دکترای جامعه شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. bagherirahman26@yahoo.com

مقدمه

بررسی‌های انجام شده طی چند دهه گذشته نشان می‌دهد که زنان بیش از مردان در معرض فقر و تبعیض جنسیتی قرار دارند، یکی از دلایل مسئله این است که زنان از امکانات لازم برای توانمندی و کاهش فقر برخوردار نیستند، زیرا وجود موانع و محدودیت‌های فراوان بر سر تغییر و تحول پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان، هرگونه تلاشی را برای از بین بردن فقر آنان با مشکل مواجه ساخته است (بریمانی و همکاران، ۱۳۹۱). از سوی دیگر، مطالعات اخیر پژوهشگران اجتماعی نشان داده است که دستیابی به توسعهٔ پایدار بدون مشارکت فعال زنان در تمام عرصه‌ها – اعم از خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی – امکان‌پذیر نیست (ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۷: ۱۲؛ سن، ۱۳۸۵: ۳۲۱؛ کولایی و حافظیان، ۱۳۹۴: ۵؛ طالب و نجفی‌اصل، ۱۳۸۶؛ فرضی زاده و همکاران، ۱۳۹۲؛ فیروزآبادی و فرضی زاده، ۱۳۸۸؛ و ...). ازآنجاکه زنان، اکثریت فقرای جهان را تشکیل می‌دهند، سیاست‌های فقرزدایی، به‌طور خودکار زنان را نیز در برمی‌گیرد و آن‌ها را بهره‌مند می‌سازد. نگرانی از پیوستن جمعی از زنان به گروه «فقیرترین فقرا» سبب طرح رویکردهای متفاوتی ازجمله «توانمندسازی[1] زنان» شده است (شادی طلب و همکاران، ۱۳۸۴). این برنامه‌ها، از اواخر دهۀ ۱۹۷۰ آغاز شدند و یکی از آن‌ها که به توانمندسازی به‌ویژه از دیدگاه اقتصادی می‌اندیشید، برنامه اعتبارات خُرد[2] است.

در این راستا بانک جهانی[3] سال ۲۰۰۵ را سال اعتبارات خُرد نام‌گذاری و کشورهای درحال‌توسعه را در به‌کارگیری این شیوه اعتباری تشویق کرده است (نگین، ۱۳۸۴). از میان کشورهای جهان سوم، بنگلادش به‌عنوان کشور پیشرو در قالب گرامین بانک[4] با اعطای اعتبارات خُرد به فقرا و به‌ویژه زنان، توانسته سطح درآمد آن‌ها را افزایش دهد (رسول‌اف، ۱۳۸۱: ۳۷۲). موفقیت‌های اولیه ناشی از وام‌های خرد در

1. Empowerment
2. Microcredit
3. World Bank
4. Grameen Bank

توان‌افزایی زنان طبقات پایین‌تر در جامعه بنگلادش به‌تدریج منجر به همه‌گیر شدن این برنامه در کشورهای درحال‌توسعه و حتی توسعه‌نیافته شد.

در ایران نیز طرح‌های متعددی برای توانمندسازی و فقرزدایی اجراشده است و نهادهای متعددی در این حوزه فعالیت می‌کنند (فرضی‌زاده، ۱۳۹۳). یکی از این طرح‌ها، صندوق اعتبارات خُرد زنان روستایی است که دفتر امور زنان وزارت جهاد کشاورزی، متولی اجرای آن است. این طرح در بسیاری از مناطق روستایی کشور با کمک نظام بانکی اجراشده است. بانک‌ها معمولاً برای پرداخت وام شرایط ویژه‌ای ازجمله دریافت وثیقه دارند که به تجربه، زنان معمولاً قادر به فراهم کردن آن نبوده و کمتر در پی دریافت چنین وام‌هایی هستند.

با توجه به شرایط اجتماعی-فرهنگی حاکم در محیط روستایی و مشکلات زنان فقیر روستایی در زمینه دریافت اعتبارات بانکی و نیز نحوه عمل بانک‌ها در تخصیص و اعطای اعتبارات، در سال‌های اخیر گونه‌های جدیدی از صندوق‌ها یا همیاری اقتصادی در برخی مناطق روستایی ایران شکل‌گرفته‌اند که مبتنی بر شبکه‌ها و پیوندهای غیررسمی بوده و با مدل‌های رسمی و رایج تفاوت دارند. «صندوق‌های وام‌دهی غیررسمی» نوع خاصی از «همیاری» زنان روستایی باهم است بدین‌صورت که زنان در گروه‌های اغلب ۱۰ تا ۲۰ نفره مبالغی را جمع می‌کنند که هرماه به یک نفر به‌قیدقرعه تعلق می‌گیرد. اتکاء بر اجتماع محلی (عدم ورود پول از خارج) و شکل دادن نوعی نظم اجتماعی و اقتصادی در بین زنان روستایی از مهم‌ترین ویژگی‌های صندوق‌های قرض‌الحسنه غیررسمی است. زنان روستایی با مشارکت در این صندوق‌ها با همیاری و کمک به خود و یکدیگر، در راستای توانمندسازی خودشان فعالیت می‌کنند.

درواقع آنان با این کار نوعی گروه همیار تشکیل می‌دهند. گفتنی است که از دیرباز در جوامع روستایی و عشایری گونه‌هایی از یاریگری و مشارکت در زمینه دامداری و

زراعت وجود داشته که به‌طورکلی با عنوان «همیاری» و «تعاونی سنتی»[۱] شناخته می‌شوند. این همیاری‌ها جهت مقابله با دشواری‌های طبیعی و تنگناهای اقتصادی شکل می‌گرفتند و نوعی نظم اجتماعی را ایجاد می‌کردند. امروزه نیز گروه‌های همیار در جوامع روستایی و شهری تشکیل می‌شوند. اعضای این گروه‌ها کنش‌های دوسویه، متقابل و افقی باهم دارند و اغلب بین افراد با توانایی‌های کم‌وبیش یکسان و یا افرادی که بتوانند توانایی‌های همدیگر را تکمیل یا کمبودهای یکدیگر را جبران کنند تشکیل می‌شوند. بنابراین با توجه به ویژگی‌های یادشده، می‌توان بر صندوق‌های قرض‌الحسنه خویشاوندی-همسایگی عنوان همیاری اطلاق نمود.

در سال‌های اخیر، این صندوق شکل‌گیری، گسترش و تداوم قابل‌توجهی در مناطق روستایی شهرستان کوهدشت و به‌ویژه در دهستان تنگ‌سیاب داشته‌اند. در این میان باوجود حاکمیت فرهنگ سنتی و مردسالار، تمایل به تشکیل، عضویت و ادارهٔ این صندوق‌های غیررسمی در بین زنان بسیار بیشتر از مردان بوده است و دلیل اصلی انتخاب موضوع و میدان مطالعه برای نوشتار حاضر به این نکته برمی‌گردد. مقاله حاضر قصد دارد ضمن توصیف و تحلیل چگونگی تشکیل و فعالیت صندوق‌های قرض‌الحسنه خویشاوندی-همسایگی، چگونگی مصرف و استفاده از وام‌های آن به پرسش‌های زیر پاسخ دهد. مؤلفه‌های بومی توانمندی اقتصادی و اجتماعی از نگاه زنان روستایی کدام‌اند؟ صندوق‌های یادشده، چگونه و با چه سازوکاری می‌توانند فرصت‌های جدید فعالیت اقتصادی را برای زنان فراهم کنند؟ این نوع همیاری‌ها می‌توانند به توانمندی اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی در راستای توسعه محلی یاری رسانند؟

۱- از آنجا که امروزه تعاونی‌های بسیاری وجود دارد که صرفاً اسم تعاونی را در خود دارند؛ در این نوشتار به جای اصطلاح «تعاونی سنتی» از اصطلاح «همیاری» استفاده شده است.

چارچوب مفهومی پژوهش

محققان کیفی برخورداری از یک چارچوب نظری از قبل تعیین‌شده را برای تحقیق مضر می‌دانند؛ زیرا ممکن است محقق را بسیار محدود نموده و موجب غفلت او از دیدگاه افراد موردمطالعه دربارهٔ آنچه در حال وقوع است، بشود (ایمان، ۱۳۹۳: ۱۷۷ و ۲۴۲). ازآنجاکه نوشتار حاضر با رویکرد کیفی انجام‌گرفته، دارای چارچوب نظری خاصی نیست که بر اساس آن نظریه‌آزمایی انجام شود؛ اما تلاش شده است با مروری بر تعاریف مفهوم توانمندسازی، ابعاد و رهیافت‌های مختلف آن و با تأکید بر همیاری و توانمندسازی زنان، به‌صورت ضمنی چارچوب مفهومی تلفیقی شکل بگیرد تا به تحلیل و نتیجه‌گیری کمک نماید.

در ادبیات توسعه توانمندسازی یعنی اینکه مردم باید به سطحی از توسعه فردی دست یابند که به آن‌ها امکان انتخاب بر اساس خواست‌های خود را بدهد (شادی‌طلب، ۱۳۸۱، ۵۴). همین‌طور، اگبومه، توانمندسازی را به معنای دستیابی بیشتر زنان به منابع و کنترل بر زندگی خود می‌داند که موجب احساس استقلال و اعتمادبه‌نفس بیشتری در آن‌ها می‌شود (Ugbomeh, 2001). شهبازی (۱۳۸۳)، در یک برداشت جامع‌تر، توانمندسازی زنان را به معنای ایجاد قدرت تصمیم‌گیری، انتخاب، سازمان‌دهی خود و مشارکت و همچنین ایجاد قدرت فردی، گروهی و جمعی در زنان برای تغییر شرایط موجود در نظر می‌گیرد.

به اعتقاد آلسوپ و همکاران توانمندی، ظرفیت و توانایی افراد یا گروه‌ها برای انجام انتخاب‌های مؤثر و سپس تبدیل این انتخاب‌ها به کنش‌ها و نتایج مطلوب است. آنان توانمندی را تحت تأثیر دو مجموعه عوامل مرتبط باهم یعنی عاملیت و ساختار فرصت می‌دانند (Alsop et al, 2006: 10). همچنین، به باور نارایان توانمندی در گسترده‌ترین تعریف، به معنای گسترش آزادی عمل و انتخاب فرد است. وقتی افراد انتخاب واقعی را تمرین کنند، میزان کنترل آنان بر زندگی‌شان بیشتر می‌شود.

انتخاب‌های افراد بسیار محدود است، هم به دلیل فقدان برخورداری از سرمایه و هم به دلیل بی‌قدرتی آن‌ها برای مذاکره با طیفی از نهادهای رسمی و غیررسمی باهدف ایجاد شرایط بهتر برای خودشان (Narayan, 2002:14).

صرف‌نظر از چگونگی تعریف توانمندسازی، آشکار است که این پدیده، مفهومی چندبعدی است. توانمندی زنان دارای ابعاد اقتصادی (میـزان درآمـد، امنیـت اقتصادی، پس‌انداز و ...)، انسانی (مهارت، دانش، توانایی انجام کار و...)، اجتماعی (گروه‌ها، شبکه‌ها، روابط مبتنی بر اعتماد و...)، سیاسی (افزایش مشارکت سیاسی، حذف تبعیض و...) و روانی (عزت‌نفس، احساس قدرت و...)، می‌باشد (شکوری و همکاران، ۱۳۸۶؛ فرخی، ۱۳۷۶؛ Elycher, 2010: 1 ؛ معظمی، ۱۳۸۰: ۵). بنابراین، در بررسی فقر و توانمندسازی زنان، نه‌تنها بُعد اقتصادی، بلکه جنبه‌های وسیع‌تری موردتوجه قرار می‌گیرد.

رویکردی عمدتاً اجتماعی، توانمندی را نوعی فرایند کنش اجتماعی می‌داند که افراد، اجتماعات و سازمان‌ها از خلال آن نوعی سروری و تسلط بر زندگی خود را به دست می‌آورند (Peterson and Hughey, 2004). با توجه به این تعریف، پیوندی بنیادین بین این مفهوم و مفهوم قدرت وجود دارد. در سنت جامعه‌شناسی به‌طورمعمول مفهوم قدرت با تعریف وبری از آن پیوند دارد که عبارت است از توانایی فرد در تحمیل خواسته‌هایش به دیگران، علی‌رغم مخالفت آنان (دیلینی، ۱۳۹۲: ۲۱۴). در این تعریف ماهیت جنسیتی قدرت نادیده گرفته می‌شود. در فرایند توانمندسازی افزایش قدرت یک گروه یا بخشی از یک جامعه به معنای کاهش قدرت بخش دیگر نیست. بدین ترتیب منابع قدرت محدود نبوده و گروه‌های مختلف اجتماعی می‌توانند توانمند شوند بدون آنکه از توان گروه دیگری کاسته شود (Rowlands, 1995).

نظریه‌های تفاوت فرهنگی و اجتماعی، درزمینهٔ توانمندسازی بر این نکته تأکیددارند که زنان نه‌تنها باید نابرابری‌های موجود بلکه باید ساختار مولد نابرابری را در سطوح گوناگون و هم‌زمان مورد پرسش قرار دهند و با آن مبارزه کنند (Diiro et al, 2018: 5). طبق این دیدگاه، توانمندسازی بیشتر به لحاظ کردن توان زن در راستای

افزایش اتکاء به خود و قدرت درونی خود تعریف‌شده و به دنبال توانمندسازی زنان از طریق توزیع دوباره قدرت در درون خانواده و جامعه است.

رویکردی دیگر توانمندی زنان را از دو جنبه فردی و جمعی موردبررسی قرار می‌دهد. توانمندی فردی زمانی به دست می‌آید که زنان بتوانند به نحوی پایگاه اجتماعی خود را درونی کرده و با به چالش کشیدن این وجه نظر، توانایی‌های درونی خود را بشناسند و به واقعیت تبدیل کنند. با افزایش اعتمادبه‌نفس و احترام به خود، درک یک زن از خود تغییر کرده و قدرت فردی او افزایش خواهد یافت. درآمد داشتن بخشی مهم از توانمندی فردی است. توانمندی جمعی عملاً به شبکه روابط اجتماعی زنان توجه دارد. در اجتماعات محلی زنان به‌طور سنتی به شبکه‌ای از روابط حمایتی متصل هستند. زنان همسایه در مراسم‌ها، مهمانی‌ها و غیره به یکدیگر یاری می‌رسانند. متین[1] و همکاران، نوعی رابطه دوسویه را بین زنان طبقات فقیرتر معرفی می‌کنند که در خلال آن زنان به یکدیگر پول قرض می‌دهند (Matin et al, 2002)

صندوق اعتبارات خُرد یکی از برنامه‌هایی است که برای توانمندسازی زنان و البته تعاون و همیاری آنان در سطوح مختلف طراحی شده است. هدف اصلی این صندوق‌ها، توسعه منابع انسانی، تعاون و تشکیل نهادهای اجتماعی رسمی برای زنان باهدف ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی در جوامع روستایی با محوریت اعتبار و پس‌انداز است (Van Maanen, 2004). در دو دهۀ اخیر، اعتبارات خُرد با نفوذ در جوانب مختلف زندگی زنان و کمک به بهبود زندگی گروه‌هایی از آنان، جایگاه ممتازی را به خود اختصاص داده و مورد استقبال قرارگرفته است. کاهش فقر، افزایش پس‌انداز، احساس امیدواری به زندگی و کنترل زنان بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و افزایش سرمایه‌های اجتماعی، ازجمله اثراتی است که صندوق اعتبارات خُرد زنان روستایی در توانمندسازی آنان داشته است (Marguerite, 2002).

1. Matin

علاوه بر مفهوم توانمندی، مفهوم دیگر این پژوهش، همیاری است. «همیاری» به معنی یکدیگر را مدد رساندن و تشریک‌مساعی به‌منظور ارضای نیازهای مشترک است. به عبارتی در ساده‌ترین شکل خود، کمک معوض (جبرانی) است (فرهادی،۱۳۸۸: ۵۰۵). در همیاری و تعاون، مسئولیت‌های فردی و اجتماعی به‌طور غیرقابل‌تفکیک باهم پیوند یافته‌اند و خدمت به دیگران برای رفاه همنوعان، راهی برای افزایش رفاه فردی و جلب رضایت پروردگار است. خانواده‌های روستایی از گذشته‌های دور به علت نیازهای مشترک با یکدیگر همکاری و اشتراک مساعی داشته‌اند. برخورد سازنده و هوشیارانه با دشواری‌ها، در زمینهٔ فقر اقتصادی، اوضاع نامساعد اقلیمی، مبارزه با طبیعت و فرهنگ نوع‌دوستی هر چه بیشتر به هم وابسته شده‌اند و سبب شکل‌گیری انواع یاریگری در بین خود شده‌اند.

گسترش گروه‌های همیار و ارتقای آن‌ها یکی از زمینه‌های مهم فعالیت برای توانمندسازی زنان روستایی است. شکل‌های متنوعی از همیاری و همکاری‌های سنتی به‌ویژه در بین زنان روستایی مناطق مختلف ایران وجود دارد در این میان تشکیل گروه‌هایی که بدون هیچ کمکی از بیرون روستا و سازمان‌های رسمی، به همدیگر وام می‌دهند مدتی است که گسترش زیادی یافته‌اند. زنان ایرانی در قالب الگوهای همیاری سالیان درازی است که حمایت‌های توانمندساز را در سیمای سنتی آن به نمایش گذارده‌اند (فرهادی، ۱۳۸۰). با توجه به ایجاد شبکهٔ حمایتی توسط زنان روستایی با استفاده از منابع محدود خویش و به‌تبع آن احساس قدرت ناشی از این همکاری، می‌توان صندوق‌های قرض‌الحسنه غیررسمی را نیز به‌عنوان یکی از همیاری‌های زنانه شناخت. درواقع می‌توان گفت صندوق‌های قرض‌الحسنه به‌مثابه نوعی همیاری سنتی رقیب مهمی برای صندوق اعتبارات خُرد رسمی‌اند که در بسیاری از مناطق روستایی جهان گسترش یافته‌اند.

نگارندگان مقاله حاضر معتقدند که تعاریف توانمندی متنوع و متفاوت‌اند، توانمندی معانی متفاوتی در بسترهای اجتماعی–فرهنگی و سیاسی دارد و باید برمبنای

بافت و شرایط ویژه مطالعه شود؛ بنابراین پژوهش با الهام از دیدگاه‌های توانمندی فردی و جمعی و دیدگاه فرهنگی و اجتماعی به توانمندی و نیز نگاه تلفیقی به تعاریف مهرا، آگبومه، نارایان، آلسوپ و همکاران از توانمندسازی بر آن است تا ضمن شناسایی اصطلاحات محلی مرتبط با توانمندی، نقش و کارایی صندوق‌های همیاری در توانمندسازی را با توجه به مؤلفه‌های بومی و از دید گروه‌های خاص و محلی درک و ارزیابی کند.

پیشینهٔ موضوع

پژوهش‌های خارجی فراوانی دربارهٔ توانمندسازی و آثار اجتماعی- اقتصادی برنامه‌های اعتبارات خُرد بر توانمندی زنان، و نیز عوامل مؤثر بر موفقیت و مشارکت در صندوق‌های اعتبارات خُرد انجام‌شده است. از جمله گراس ماسک و اسپینال[1] (۲۰۰۰) نشان داده‌اند که نگرش زنان به جایگاهشان در خانواده و میزان وابستگی خانواده به درآمد آنان، هر دو بر توانمندی زنان اثرگذار است.

میوکس[2] (۲۰۰۱)، در مطالعه‌ای در کشور کامرون نشان داده برنامه‌های اعتبارات خُرد و تقویت سرمایهٔ اجتماعی به‌طور مستقیم و معنی‌داری در توانمندسازی زنان روستایی در ابعاد اقتصادی و اجتماعی تأثیر دارند.

گروتارت[3] (۲۰۰۳) در پژوهشی باهدف بررسی نقش مؤلفه‌های ساختاری (مشارکت در گروه‌ها) و شناختی (حس اعتماد و همکاری) سرمایهٔ اجتماعی در موفقیت اعتبارات خُرد و توانمندسازی زنان روستایی به این نتیجه رسیده که بهبود مؤلفه‌های ساختاری و شناختی سرمایهٔ اجتماعی زنان به‌طور معنی‌داری در افزایش شاخص‌های مشارکت سیاسی و توانمندی اقتصادی آنان نقش دارد.

---

1. Grasmuck and Espinal
2. Mayoux
3. Grootaert

داینینگر و لئو[1] (۲۰۱۳) در پژوهشی دربارهٔ زنان کارآفرین کشور هند نشان داده‌اند که برنامه اعتبارات خُرد موجب افزایش توانمندی زنان و بهبود سطح تغذیه آنان شده است اما بر درآمد آنان تأثیری نداشته است. نتایج بلندمدت برنامه اعتبارات خُرد از نتایج کوتاه‌مدت آن برای افراد بهتر ارزیابی‌شده و در کوتاه‌مدت، افزایش میزان مصرف و تنوع درآمد را موجب شده است.

دررا و همکاران[2] (۲۰۱۴) نیز نشان داده‌اند که در جنوب آفریقا زنان همانند مردان امکان دستیابی به وام برای شروع فعالیت و کسب‌وکار را ندارند و دراین‌باره تبعیض جنسیتی و در معرض تهدید قرار گرفتن آنان هنگام آغاز فعالیت‌های غیر سنتی وجود دارد.

وبر و احمد[3] (۲۰۱۴) در پژوهشی دربارهٔ توانمندسازی از طریق اعتبارات، به این نتیجه رسیده‌اند که آن دسته از زنانی که وام بیشتری دریافت نموده‌اند در مقایسه با زنانی که وام کمتری دریافت نموده‌اند در سطح بالاتری از توانمندسازی قرار دارند.

در ایران نیز پژوهش‌های زیادی دربارهٔ طرح‌های تأمین مالی و اعتباری خرد انجام‌شده است. علاءالدینی و جلالی موسوی (۱۳۸۹) در تحقیقی به ارزیابی اثربخشی برنامهٔ پشتیبانی خدمات مالی خرد و صندوق اعتبارات خُرد زنان روستایی در ایران پرداخته و نتایج آنها نشان می‌دهد که تغییری در شاخص‌های درآمد، دارایی، و هزینه‌های خوراک و پوشاک خانوارهای شرکت‌کننده در هر دو برنامه ایجاد نشده، اما شاخص تنوع منابع درآمدی خانوار بهبودیافته است. همچنین، برنامه‌ها فقط زمانی به توانمندسازی زنان منجر شده‌اند که شرکت‌کنندگان زن، خود بر نحوه مصرف وام کنترل داشتند. البته در برخی موارد، برنامه‌ها موجب آسیب‌پذیری بیشتر خانوارها شده‌اند.

1. Deininger and Liu
2. Derera et al
3. Weber, and Ahmad

علیرضا نژاد (۱۳۹۲) ضمن شناسایی چهار نوع صندوق قرض‌الحسنه نشان داده که این صندوق‌ها به‌نوعی در نیل به سطوحی از توانمندی اجتماعی و اقتصادی مؤثر هستند. مظفری و ضیائی (۱۳۹۶)، در پژوهشی باهدف بررسی اثرات صندوق اعتبارات مالی خرد بر توانمندسازی مدیریتی زنان روستایی نشان داده‌اند که بین دیدگاه پاسخگویان نسبت به گویه‌های شناخت وضعیت روستا، روحیه کارآفرینی، استقلال مالی، روحیه خودباوری و اعتمادبه‌نفس و زمینه‌سازی اشتغالات جدید با توانمندسازی مدیریتی زنان روستایی بر اساس متغیر سطح تحصیلات در سطح یک درصد تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

در مطالعهٔ دیگری، محمدی و همکاران (۱۳۹۷) نشان داده‌اند که به‌طورکلی میزان اثرگذاری تأمین مالی خرد بر ابعاد توانمندسازی زنان روستایی در حد متوسط بوده است. این ابعاد با یکدیگر همبستگی مستقیم و معنی‌دار داشته و از اعتبار کافی برای تبیین توانمندسازی زنان روستایی برخوردارند.

صالحی چگنی و همکاران (۱۳۹۷)، بر اساس نتایج تحلیل عاملی اکتشافی راه‌کارهای بهبود عملکرد صندوق‌های اعتبارات خُرد در توانمندسازی زنان روستایی استان لرستان را به ترتیب اهمیت در پنج دسته راهکارهای ۱) حمایت از اعضاء و جهت‌دهی فعالیت‌های آنان ۲) ارائه آموزش به اعضاء و هیئت مدیره ۳) بهبود مدیریت صندوق‌ها ۴) بهره‌گیری از ظرفیت‌های جانبی و ۵) تقویت روحیهٔ مشارکتی در بین اعضاء دسته‌بندی کرده‌اند. این راهکارها در مجموع ۶۸/۳ درصد از واریانس کل را تبیین نموده‌اند.

موحدی و همکاران (۱۳۹۸)، نیز در پژوهشی کمّی با استفاده از مدل معادلات ساختاری نشان داده‌اند که از بین عوامل مؤثر بر سودمندی حاصل از تشکیل تعاونی اعتباری خرد بالاترین تأثیر مربوط به اثر توانمندسازی بر سودمندی بوده است.

بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه اعتبارات خُرد به‌ویژه در ایران، عمدتاً به ارزیابی آثار اقتصادی (مانند مبلغ وام، نحوهٔ مصرف وام، میزان بازپرداخت و افزایش

درآمد) اجرای اعتبارات رسمی که از بیرون به روستا وارد می‌شوند با کمک روش‌های کمّی و شاخص‌های از قبل تعیین‌شده پرداخته‌اند. درحالی‌که توانمندی، حوزهٔ وسیعی را شامل می‌شود که برخورداری افراد از سرمایهٔ مالی صرفاً بخشی از این فرایند است و نیازمند برخورداری از سرمایهٔ انسانی و سرمایهٔ اجتماعی نیز می‌باشد. علاوه بر این، از میان پیشینه‌های داخلی موجود، کمتر پژوهشی به‌طور خاص با رویکرد کیفی به مطالعه نقش صندوق‌های قرض‌الحسنه غیررسمی ـ که متفاوت از اعتبارات خُرد رسمی‌اندـ در توانمندی اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی و از دیدگاه آنان پرداخته است؛ نوشتار حاضر در این راستا انجام شده است.

روش پژوهش

مطالعهٔ حاضر، با روش کیفی انجام شده و برای گردآوری اطلاعات از فنون مصاحبه‌های نیمه ساخت‌یافته[1] و عمیق، بحث گروهی متمرکز و مشاهده مشارکتی استفاده نموده است. برای انجام مصاحبه‌ها، از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند[2] و نظری و تکنیک گلوله برفی[3] کمک گرفته شد. بر این اساس، جمعاً بیست‌وسه مصاحبه نیمه‌باز و عمیق انجام شد که پانزده نفر از زنان مشارکت‌کننده در مصاحبه‌ها از بین اعضاء و یا سرگروه‌های این صندوق‌ها بودند. ضمناً مصاحبه با پنج زن غیر عضو (یک مصاحبهٔ گروهی متمرکز) و سه مرد (یک جلسه بحث گروهی متمرکز) که خود و یا همسرانشان در زمان انجام پژوهش در صندوق‌های وام‌دهی غیررسمی عضویت داشتند نیز انجام شد.

با توجه به تجربه زیستهٔ یکی از محققان در منطقه موردمطالعه، فرایند دسترسی به مشارکت‌کنندگان برای انجام مصاحبه‌ها دشوار نبود ولی بنا بر ملاحظات اخلاقی، آنان

1. semi structured interview
2. Purposive Sampling
3. Snowball Sampling

در جریان موضوع، ضبط و ثبت صحبت‌هایشان و اختیار برای خودداری از انجام مصاحبه قرار گرفتند. پس از مرور ادبیات نظری و تجربی و انجام گفت‌وگوی مقدماتی با سه نفر از مشارکت‌کنندگان، چند مفهوم و محور اولیهٔ سؤالات پژوهش آشکار و در فرایند مصاحبه‌ها پیگیری شدند. پس از شروع مصاحبه‌ها با پرسش‌های باز عمومی، به پرسش‌های مشخص و تکمیلی برای تشویق و دستیابی به توضیحات بیشتر پرداخته می‌شد. تمام مصاحبه‌ها به زبان لَکی [زبان مادری مشارکت‌کنندگان]، انجام شدند.

برای تجزیه‌وتحلیل اطلاعات از روش تحلیل تماتیک[1] استفاده شد؛ که طی آن محقق از طریق دسته‌بندی داده‌ها و الگویابی درون‌داده‌ای و برون‌داده‌ای به یک نوع‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد و در پایان تم‌ها از داده‌ها نشأت می‌گیرند (Thomas, and Harden, 2008). در این تحلیل، مقوله‌ها از طریق مطالعهٔ دقیق داده‌ها شناسایی می‌شوند. تحلیل، کاملاً تدریجی، تکوینی و هم‌زمان با گردآوری داده‌ها انجام و محقق به‌صورت مداوم بین مجموعهٔ داده‌ها، مفاهیم، مقوله‌ها و تجزیه‌وتحلیل آن‌ها رفت‌وبرگشت می‌کند؛ پس از هر مصاحبه، اطلاعات بررسی می‌شود تا چندوچون مصاحبهٔ بعدی مشخص شود (باقری و همکاران، ۱۳۹۹). این روند تا مرحلهٔ اشباع نظری[2] ادامه یافت. بدین ترتیب پس از ضبط و پیاده‌سازی، اطلاعات چندین بار با دقت شنیده و مطالعه می‌شدند.

برای شناسایی جمله‌ها و مفاهیم کلیدی موجود در متن، مصاحبه‌ها خط به خط و کلمه به کلمه بررسی و به هر جمله یا کلمهٔ کلیدی یک کد داده شد و کدهای اولیهٔ مشابه در یک طبقه جای‌داده شدند تا طبقات اولیه شکل بگیرند. این مفاهیم مجدداً در هم ادغام گردیدند تا مقوله‌های اصلی را تشکیل دهند. با توجه به این مقوله‌ها، مؤلفان پرسش‌های تحقیق را ارزیابی نموده تا توانمندی را در ارتباط با مؤلفه‌های بومی موردمطالعه قرار دهند. سپس، مقوله‌ها توضیح داده و تفسیر شدند. بدین ترتیب و پس

1. Tematic
2. Theoretical Saturation

از کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌ها توسط مؤلف اول، میزان اتفاق‌نظر میان آنان در مورد کدها و طبقات بررسی می‌شد در آخر، نگارندگان چندین بار نوشته‌ها و دسته‌بندی‌ها را برای اصلاح و اطمینان از صحت مفاهیم و مقولات شناسایی‌شده بررسی نمودند، که اتفاق‌نظر میان آنان در سطح بالایی بود (استفاده از تکنیک ممیزی[1]: چک شدن توسط همکاران و اعضای تیم تحقیق) درواقع، درگیری مداوم محقق با میدان مطالعه و مشارکت‌کنندگان، تأییدکننده اعتبار تحقیق و همچنین، تأیید مفاهیم و مقولات به‌دست‌آمده از متن مصاحبه‌ها از سوی سه نفر از مشارکت‌کنندگان (کنترل یا اعتباریابی از طریق اعضاء)[2] نشان‌دهندهٔ تأییدپذیری داده‌ها و نتایج تحقیق بوده است.

میدان مطالعه

دهستان تنگ‌سیاب با جمعیتی بالغ بر ۷۵۵۴ نفر در بخش کوهنانی از توابع شهرستان کوهدشت در استان لرستان واقع است. اهالی این دهستان، معمولاً در قالب گروه‌های ۱۰ تا ۲۰ نفره، با تکیه‌بر سرمایه‌های یکدیگر، به تشکیل صندوق‌های وام‌دهی یا به‌اصطلاح محلی *قرعه‌کشی* اقدام می‌کنند. در زمان انجام پژوهش، تعداد چهارده صندوق وام‌دهی در شش روستای موردمطالعه از دهستان وجود داشت، بدین ترتیب که ۱۶۸ نفر (۶۵ مرد و ۱۰۳ زن) در این صندوق‌ها عضویت و مشارکت داشتند. بعضی از زنان و مردان به‌طور هم‌زمان در دو صندوق عضو بودند. برای ارائه تصویر ذهنی کامل‌تر از مشارکت‌کنندگان، خلاصه‌ای از مشخصات زمینه‌ای و کلی آنان در جدول ۱ آمده است.

1. Auditing
2. Member Checking

جدول ۱ – مشخصات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در تحقیق

کد مشارکت‌کننده	جنس	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل	نام روستا	مدت‌زمان عضویت
۱	زن	۳۰	فوق دیپلم	متأهل	نامکول	۶ سال
۲	زن	۲۳	لیسانس	متأهل	کرمعلی	۲ سال
۳	زن	۴۹	ابتدایی	متأهل	گرخشاب	۱۱ سال
۴	زن	۲۴	لیسانس	مجرد	منتعلی	۳ سال
۵	زن	۳۲	دیپلم	متأهل	نامکول	۸ سال
۶	زن	۲۹	فوق دیپلم	متأهل	ده‌برادر	۶ سال
۷	زن	۳۱	لیسانس	متأهل	منتعلی	۸ سال
۸	زن	۴۷	ابتدایی	متأهل	ده‌برادر	۱۰ سال
۹	زن	۲۹	لیسانس	متأهل	چله‌بان	۵ سال
۱۰	زن	۴۸	ابتدایی	متأهل	گرخشاب	۱۱ سال
۱۱	مرد	۲۴	لیسانس	متأهل	کرمعلی	۴ سال
۱۲	مرد	۳۹	فوق دیپلم	متأهل	گرخشاب	–
۱۳	مرد	۵۲	لیسانس	متأهل	کرمعلی	۱۱ سال
۱۴	زن	۴۹	بی‌سواد	متأهل	منتعلی	–
۱۵	زن	۴۷	خواندن و نوشتن	متأهل	منتعلی	–
۱۶	زن	۱۹	دیپلم	مجرد	نامکول	۲ سال
۱۷	زن	۴۶	سوم راهنمایی	متأهل	کرمعلی	۷ سال
۱۸	زن	۲۱	دیپلم	متأهل	گرخشاب	۳ سال
۱۹	زن	۳۶	فوق دیپلم	متأهل	نامکول	۹ سال
۲۰	زن	۴۱	دوم دبیرستان	متأهل	ده‌برادر	۱۰ سال
۲۱	زن	۴۴	خواندن و نوشتن	متأهل	چله‌بان	–
۲۲	زن	۴۱	فوق دیپلم	متأهل	چله‌بان	–
۲۳	زن	۳۴	لیسانس	مجرد	چله‌بان	–

شیوه عمل صندوق‌های وام‌دهی غیررسمی

در خلال انجام مصاحبه‌ها و تحلیل آن‌ها، تلاش شد تا به شیوهٔ عمل (چگونگی شکل‌گیری، فعالیت و تداوم) صندوق‌های قرض‌الحسنه خویشاوندی-همسایگی در روستاهای موردمطالعه پی برده شود. صندوق‌های وام‌دهی غیررسمی نوع خاصی از شبکه‌های همیاری زنانه می‌باشند. اغلب زنان مصاحبه‌شونده می‌گفتند که هرلحظه بخواهند می‌توانند یک صندوق تشکیل دهند که ممکن است یک دوره به کار خود ادامه داده و سپس منحل شود، یا پس از مدتی با اعضایی تا حدی متفاوت دوباره شروع به کارنمایند. آن‌ها همچنین می‌گفتند که:

«بعد از اتمام یک دوره اگر بخواهیم صندوق را تعطیل می‌کنیم یا دورهٔ جدیدی را شروع می‌کنیم». به عبارتی آنان هر وقت نیازی داشته که با کمک همدیگر تأمین و قابل‌حل می‌شود صندوق تشکیل می‌دهند. زمان فعالیت آن بستگی به تعداد و توافق اعضاء دارد ولی معمولاً یک دورهٔ فعالیت هر صندوق بیشتر از بیست ماه تعیین نمی‌شود. بعد از اتمام هر دوره، ممکن است مجدداً صندوق تداوم یابد، برخی از اعضاء انصراف داده و برخی نیز به دلیل به‌اصطلاح بدحسابی از گروه کنار گذاشته شوند و در هر دو صورت، اعضای جدید جایگزین می‌شوند. یکی از اعضاء در مصاحبه خود گفته است:

> *«هیچ صندوقی برای چند دوره دقیقاً باهمان اعضاء ادامه نمی‌یابد بعضی ممکن است انصراف بدهند بعضی هم معمولاً اقساط‌شان را به‌موقع پرداخت نمی‌کنند که ممکن است در دورهٔ بعدی از گروه حذف شوند، اعضای جدید جـایگزین آنان می‌شوند البته بعضی مواقع هم ممکن است تعداد اعضای یک گروه نسبت به قبل بیشتر شود»*.

زنان مسئول یا سرگروه همه صندوق‌ها بودند. برای عضویت، داشتن حساب بانکی اجباری نیست. تقریباً نیمی از زنان حساب بانکی داشته و مابقی نیز شماره‌حساب یکی از اعضای خانواده خود را به سرگروه صندوق می‌دهند تا وی نیز در موعد مقرر

پول‌های همهٔ اعضاء را به‌حساب عضوی بفرستد که با قرعه‌کشی انتخاب‌شده است. زنان معمولاً در فرصت‌هایی که کنار هم هستند از قبیل مهمانی‌ها یا گردهم‌آیی خانوادگی و همسایگی، روضه‌ها، در مزارع و باغات و...، پیشنهاد تشکیل صندوق می‌دهند. البته لزومی ندارد که همه اعضاء، همدیگر را ببینند؛ ممکن است تلفنی با سرگروه یا باهم گفتگو کنند. عدم ثبت رسمی صندوق و روابط غیررسمی اعضاء، دو مشخصهٔ این صندوق‌هاست. اعضاء به همدیگر اعتماد دارند و این امر بر ادامه فعالیت صندوق تأثیرگذار است. برخی زنان در بیش از یک صندوق عضویت داشتند و از عضویت در این صندوق‌ها راضی بودند زیرا به آنان توان پس‌انداز و فرصت خرید را می‌دهد.

مقدار وام را معمولاً اولین نفر با همفکری همسر و یا یکی از خانواده‌اش برحسب نیازی که احساس کرده‌اند در فرصت مناسب به سایر زنان و گهگاه مردان پیشنهاد می‌دهند. ترتیب زمانی نوبت دریافت وام به‌قیدقرعه تعیین می‌شود این کار را مدیر صندوق یا سرگروه به‌تنهایی و یا در مواردی در حضور برخی اعضاء، به یکی از دو روش زیر انجام می‌دهد: قرعه‌کشی فقط یک‌بار که بلافاصله پس از تشکیل صندوق و در اولین جلسه انجام می‌شود و نوبت هر عضو از قبل مشخص می‌شود به‌این‌ترتیب عضو می‌داند که چه زمانی وام را دریافت می‌کند. در روش دوم در پایان هرماه قرعه‌کشی انجام می‌شود و نوبت دریافت وام برای اعضاء از قبل مشخص نیست.

در هر دو روش سرگروه در پایان هرماه به سایر اعضاء اطلاع می‌دهد که پول‌ها را به حسابش بفرستند تا او نیز به انتقال وجه از حساب خود به‌حساب عضو انتخاب شده بپردازد. سرگروه‌ها دستمزدی دریافت نمی‌کنند اما معمولاً به‌پاس ایفای نقش هماهنگ‌کننده، نوبت اول دریافت وام به آن‌ها داده می‌شود. زنان شاغل معمولاً در مورد وام‌های دریافتی از این صندوق‌ها شخصاً تصمیم می‌گرفتند و همسران آن‌ها دخالت چندانی در کار نداشتند. اما شرایط برای زنان خانه‌دار متفاوت است. درهرصورت

معمولاً مردان از وجود این صندوق‌ها و نقش زنان در آن آگاه هستند و نسبت به آن حساسیت چندانی نداشتند.

یافته‌های پژوهش

در نوشتار حاضر با رویکرد کیفی و استفاده از روش تحلیل تماتیک، به تحلیل اطلاعات گردآوری‌شده از مشارکت‌کنندگان تحقیق پرداخته شد. پس از معرفی *صندوق‌های مبتنی بر روابط خویشاوندی- همسایگی* به *مؤلفه‌های بومی توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی* و نیز تحلیل نقش مؤلفه‌های یادشده در توانمندسازی زنان پرداخته‌شده است. در پایان کار کدگذاری و مفهوم‌سازی، ۴۸ مفهوم و ۹ مقوله (جدول ۱) به دست آمد. مقوله‌ها عبارت‌اند از سازگاری با علایق و روحیات مردم بومی، بهبود منزلت، ایجاد اشتغال و درآمدزایی، علاقه‌مندی به مشارکت در صندوق، شکل‌گیری شبکهٔ حمایتی، تسهیل آموزش، توانمندی در مدیریت مالی، حفظ و افزایش تعاملات اجتماعی و احساس استقلال بیشتر. در واقع این مقولات، از دیدگاه مشارکت‌کنندگان به‌عنوان مؤلفه‌های بومی توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی شناسایی شدند و سپس نقش این مؤلفه‌ها در ارتباط با توانمندسازی زنان تبیین گردید.

شناسایی صندوق‌های مبتنی بر روابط خویشاوندی- همسایگی

بر اساس اظهارات مصاحبه‌شوندگان در روستاهای موردمطالعه، صندوق‌های خانوادگی-همسایگی بسیار متداول‌تر از انواع دیگر[1] هستند. صندوق‌های یادشده پیرامون شبکه روابط و پیوندهای خانوادگی و همسایگی و همچنین دوستان نزدیک شکل می‌گیرد و ممکن است معدودی از اعضای صندوق در روستای دیگر یا شهر

۱- برای مثال بعضی صندوق‌ها حول روابط رسمی یا روابط شغلی و اداری و بعضی دیگر در مدارس و بین دانش‌آموزان تشکیل می‌شوند.

ساکن باشند. در این صندوق‌ها مقدار وام بین پانصد هزار تا بیست میلیون تومان است و میزان اقساط آن بین پنجاه هزار تا یک میلیون تومان است که ماهیانه پرداخت می‌شود. معمولاً تعداد اعضای آن‌ها بین ۱۰ تا ۲۰ نفر است. ممکن است زنان و مردان در کنار هم شرکت داشته باشند ولی معمولاً تعداد زنان از مردان بیشتر است. در صندوق‌هایی که مردان اکثریت اعضاء را تشکیل می‌دهند مبلغ وام، بیشتر است و در صندوق‌هایی که همه یا اکثریت اعضای آن را زنان تشکیل می‌دهند؛ مبلغ وام کم است. غالباً، اقساط وام به‌صورت غیرنقدی تحویل داده می‌شود ولی در بعضی موارد که مبلغ هر قسط کم باشد ممکن است برخی اعضاء به‌صورت نقدی تحویل سرگروه بدهند، پس‌ازآنکه همه اعضاء پول را به‌حساب سرگروه انتقال بدهند وی نیز آن را برای عضو انتخاب شده می‌فرستد.

در صندوق‌های خویشاوندی–همسایگی انعطاف‌پذیری زیادی وجود دارد. گاهی در صورت نیاز فوری عضوی از صندوق، نوبت دریافت وام بین دو نفر جابجا می‌شود و به وی داده می‌شود. یا ممکن است عضوی به دلایلی نتواند سروقت تعیین‌شده قسط وام را پرداخت کند در این مورد اعضاء به چند صورت با وی همکاری می‌کنند: یا به وی فرصت می‌دهند تا با چند روز تأخیر پرداخت کند، ممکن است یک ماه قسط پرداخت نکند ولی ماه بعد دو قسط پرداخت نماید، یا یکی از اعضاء به وی پولی قرض می‌دهد و در غیر این دو حالت، مبلغ قسط یا اقساط پرداخت‌نشده را از مبلغ کل وام کسر می‌کنند. البته اگر عضوی به دلایلی ناموجه در عرف محل، اقساط خود را پرداخت نکند در دوره‌های بعدی فعالیت صندوق، ممکن است عضویت وی مورد موافقت سایر اعضاء قرار نگیرد.

با توجه به مصاحبه‌ها به نظر می‌رسد که در این صندوق‌ها معمولاً زنان وام را دریافت می‌کنند. طبق اظهارات زنان این وام‌ها می‌توانند صرف امور ضروری خانوادگی از قبیل ثبت‌نام بچه‌ها و خرید پوشاک برای آنان و یا یک بیماری ناگهانی و یا یک سفر شود و معمولاً مردان مسئول باز پس دادن آن هستند. در مواردی زنان اظهار کرده‌اند که

از این وام‌ها برای امور شخصی و یا پس‌انداز استفاده می‌کنند. باوجود این در مواردی نیز برای درآمدزایی نیز استفاده کرده‌اند. برای مثال یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه چنین گفته است:

«در منطقه ما باغات انار وجود دارد و تعدادی از زنان در فصل پاییز به تولید و فروش رُب انار و آب انار مشغول‌اند من هم توانستم با کمک پول قرعه‌کشی یک یخچال‌فریزر برای نگهداری آب انار بخرم و هرسال درآمد خوبی از این طریق نصیبم می‌شود قبلاً که فریزر برای نگهداری نداشتم مجبور بودم آب انارهایم را ارزان بفروشم. [الآن] درآمدم نسبت به گذشته بیشتر شده است».

همان‌طور که گفته شد، بعضی از این زنان به‌طور هم‌زمان بیش از یک صندوق نیز عضو بوده و ازلحاظ مالی در وضعیت مناسبی قرار داشتند. سه نفر از اعضای این گروه به کمک این وام‌ها و سایر منابع مالی خانواده توانسته بودند کسب‌وکاری کوچک راه‌اندازی کنند. یکی از شرکت‌کنندگان در تحقیق گفته است که:

«شوهرم ۲۶ سال سابقه معلمی دارد از او درخواست کردم که از بانک ده میلیون وام بگیرد و خودم هم قرعه‌کشی ۱۲ میلیونی تشکیل دادم و تصمیم گرفتیم پوشاک زنانه و بچه‌گانه بخریم. بالای درب حیاط یک تابلو کوچک نصب کردیم. دو سال از این کار گذشته و خوشبختانه خوب پیش رفتیم سرمایه‌مان بیشتر از روز اول شده است. البته کرایه مغازه هم نمی‌دهیم. جنس‌ها را از تهران خرید می‌کنیم ولی اینجا به‌صورت قسطی و قرضی هم می‌فروشیم».

همچنین، عضوی دیگر از اعضاء یک صندوق به کمک وام صندوق اقدام به فروش ظروف آشپزخانه کرده است و اظهار داشته که:

«از زمانی که عضو صندوق شدم تصمیم گرفتم که بتوانم درآمدی جانبی برای خانواده به دست بیاورم وگرنه پول وام نیز خرج می‌شد به کمک شوهرم یکی دو ماه یک‌بار به جوانرود (استان کرمانشاه) می‌رویم که اجناس آنجا به‌ویژه لوازم و ظروف آشپزخانه ارزان‌تر از شهرمان است خوشبختانه اجاره خانه و شهریه دانشگاه دخترم، هزینه پوشاک خودم و بچه‌هایم را تأمین می‌کنم».

درمجموع، از این گفته‌ها چنین برمی‌آید که زنان در این صندوق‌ها، در کنترل و هزینه کرد وام‌ها نقش داشته و از این طریق به افزایش درآمد و پس‌انداز و سهیم‌شدن در دارایی‌های خانواده کمک می‌کنند.

مؤلفه‌های توانمندی و توانمندسازی زنان روستایی

همان‌طور که در ابتدای یافته‌های بیان شد، برای پی بردن به کارآمدی صندوق‌های وام‌دهی غیررسمی در توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی، لازم بود که مؤلفه‌های بومی توانمندی در دو بُعد از دیدگاه زنان شناسایی و استخراج شوند، سپس نقش این مؤلفه‌ها در ارتباط با توانمندسازی زنان تبیین گردد. بدین ترتیب اطلاعات حاصل از مصاحبه‌های رودررو و متمرکز به روش تحلیل تماتیک، تحلیل گردید و ۴۸ مفهوم استخراج شد که در قالب ۹ مقوله دسته‌بندی گردید. جدول ۲، مفاهیم و مقولات به‌دست‌آمده را نشان می‌دهد.

جدول ۱- مفاهیم و مقولات

مفاهیم	مقولات
عدم نیاز به مدارک رسمی و وثیقه، عضویت اختیاری، تطابق رویه صندوق‌ها با عرف محل، انعطاف‌پذیری	سازگاری با علایق و روحیات مردم بومی
کاهش انزوا، تقویت روحیه خودباوری، تغییر نگاه منفی روستاییان به نقش زنان، ارتقاء منزلت زنان در خانواده و جامعه، احساس تأثیرگذاری، تغییر در نگرش مردان	بهبود منزلت؛ تضعیف هنجارهای سنتی
کسب درآمد، افزایش پس‌انداز، ایجاد کارآفرینی‌های کوچک، تنوع منابع درآمد، افزایش درآمد، اختیار در هزینه کرد درآمد، سهیم شدن در دارایی خانوار	ایجاد اشتغال و درآمدزایی
رضایت از کمک به خانواده، حساب‌وکتاب کردن، انگیزه برای کار، برنامه‌ریزی، موافق ادامه فعالیت، انگیزه برای کوشش	علاقه‌مندی به مشارکت در صندوق

انجام فعالیت‌های گروهی، تقویت مشارکت، حمایت از همدیگر، اعتماد اعضاء به همدیگر، ضمانت غیررسمی گروهی	شکل‌گیری شبکه حمایتی
کمک به خرید لوازم مدرسه، پرداخت شهریه دانشگاه، کمک به ادامه تحصیل، رفتن به شهر برای تحصیل	تسهیل آموزش
بالا رفتن میزان آگاهی مالی، باخبر شدن از پیرامون، اطلاع از امور وام و بانک	توانمندی در مدیریت مالی
تمایل به حفظ همکاری، افزایش همکاری، حفظ پیوندهای نزدیک میان اعضاء، تعامل مداوم اعضاء، علاقه به تداوم کار گروهی	حفظ و افزایش تعاملات اجتماعی
افزایش اختیار، رسیدگی بیشتر به امور زندگی، خانه مستقل، انتخاب فردی، کاهش تنش در خانواده، ایفای نقش مؤثر، پذیرش مسئولیت، افزایش انسجام خانواده	احساس استقلال بیشتر

۱) سازگاری با علایق و روحیات مردم بومی: صندوق‌های قرض‌الحسنه مبتنی بر پیوندهای خویشاوندی، همسایگی و دوستانه درجایی ثبت نمی‌شوند و به‌صورت خودجوش راه‌اندازی شده‌اند. به عبارتی، کاملاً غیررسمی‌اند و اعضاء آن‌ها معتقدند که روابطشان رسمی نیست. درصورتی‌که یک عضو نیاز فوری داشته باشد نوبت دریافت وام را با عضو دیگر جابجا می‌کند، همچنین دیرکرد محاسبه نمی‌شود. برای مثال یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه گفته است:

«با توجه به اینکه همهٔ اعضای صندوق همدیگر را می‌شناسیم و به همدیگر اعتماد داریم بنابراین از مشکلاتی که برای عضوی ایجاد شود باخبر می‌شویم و در صورت نیاز، اگر از سایر منابع مالی نتوانیم به او کمک کنیم نوبت او را با عضوی که به‌قیدقرعه اسمش برای دریافت وام انتخاب‌شده، جابجا می‌کنیم».

همچنین، یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان نظرش را چنین بیان کرده است:

«هیچ اجباری برای عضو شدن وجود ندارد؛ این صندوق‌ها که ضمانت و وثیقه‌ای لازم ندارند به همین دلیل من وام خودمان را خیلی بهتر از وام بانک‌ها می‌دانم».

بر اساس مصاحبه‌های انجام شده، عضویت در این صندوق‌ها، اختیاری و بدون دریافت و نگهداشت وثیقه و ضمانت است. بدین ترتیب می‌توان گفت که رویه صندوق‌ها با عرف و شرایط بومی جامعه روستایی موردمطالعه مطابقت دارد.

۲) بهبود منزلت؛ تضعیف هنجارهای سنتی: اگرچه داشتن شغل و یا درآمد از مؤلفه‌های مهم توانمندی به‌ویژه ازلحاظ اقتصادی است، ولی نگرش‌های سنتی به نقش و کار زنان که در جامعهٔ روستایی حاکم است مانع از توانمندشدن آنان در ابعاد روانی- اجتماعی می‌باشد. یکی از زنان مشارکت‌کننده که مدرک کارشناسی داشت گفته است که:

«خوشبختانه نحوه تشکیل و عضویت در صندوق‌های وام‌دهی طوری است که حتی برای پذیرفتن عضویت زنان بی‌سواد و کم‌سواد نیز هیچ مانعی وجود ندارد و آن‌ها را در چرخهٔ تعامل بیشتر قرار می‌دهد».

پیرامون تضعیف نگرش‌ها و هنجارهای سنتی نسبت به جایگاه زنان در خانواده، دو شرکت‌کننده نظرشان را چنین بیان کرده‌اند:

«چون خانواده‌ها مستقل هستند و زندگی هم سخت شده، زنان هم مجبورند به شوهرانشان در امور مالی کمک کنند و دیگر مثل گذشته کسی نمی‌گوید زنان فقط باید غذا پخت‌وپز کنند و خانه را جارو کنند».

«تقریباً همه زنان حداقل یک‌بار در صندوق‌ها عضو شده‌اند. اوایل مردها سخت می‌گرفتند مخصوصاً در مورداستفاده از وام. ولی الآن زنان در مقایسه با گذشته اختیارات بیشتری دارند. فکر می‌کنم اگر نقش زنان در امور مختلف خانواده پررنگ‌تر از گذشته شود به‌مرورزمان اوضاع آنان بهتر می‌شود».

۳) ایجاد اشتغال و درآمدزایی: در جامعهٔ مورد مطالعه، تعدادی از مصاحبه‌شوندگان و خانواده‌های آنان، به کمک وام این صندوق‌ها و در کنار منابع مالی دیگری که در اختیار داشته‌اند ضمن سهیم شدن در دارایی‌های خانواده، موفق به راه‌اندازی و رونق کسب‌وکار شده‌اند. برای مثال، خریدوفروش ظروف آشپزخانه،

پوشاک، لوازم خانه، لوازم‌آرایشی از شهرها و فروش در روستا به‌صورت نقد و اقساط؛ و همچنین قالی‌بافی، خرید دام، گاو، طیور و اجاره زمین کشاورزی. به‌عنوان نمونه، یکی از مصاحبه‌شوندگان گفته است که:

«ما یک قرعه‌کشی ۲۰ میلیونی نوشتیم با شوهرم رفتیم تهران با تولیدکننده‌ای صحبت کردیم و قرارداد بستیم هرماه یک‌بار پوشاک زنانه می‌فرستد و با سود حاصل از آن‌هم نیازمندی‌های خودم را شخصاً تأمین می‌کنم و هم درآمد کلی خانواده بیشتر شده است».

۴) علاقه‌مندی به مشارکت در صندوق: بر مبنای مصاحبه‌های صورت گرفته، بیشتر زنان از شرکت در این صندوق‌ها و ادامه فعالیت آن‌ها رضایت داشتند و البته برای کناره‌گیری نیز اجباری وجود ندارد. در این مورد، چند نفر از مشارکت‌کنندگان تحقیق دیدگاهشان را به شکل زیر بیان کرده‌اند:

«با این‌که پول وام را برای خودم خرج نمی‌کنم ولی به دلیل این‌که در تأمین بخشی از هزینه‌های خانواده به شوهرم کمک می‌کنم احساس خوبی دارم».: «سعی می‌کنم دربارهٔ فایده‌های شرکت در قرعه‌کشی برای کسانی که تا الآن عضو نشده‌اند توضیح بدهم و از آنان می‌خواهم تا شرکت کنند. خیلی وقت‌ها در ذهنم به‌حساب و کتاب مشغولم که اگرچند بار دیگر شرکت کنم می‌توانم با پولی که به‌دست می‌آورم کار کوچکی راه‌اندازی کنم». «تعداد صندوق‌ها نسبت به چند سال پیش بیشتر شده و این نشان می‌دهد که زنان بیشتری هم به تشکیل و عضویت در صندوق‌ها اقدام کرده‌اند. بارها دیده‌ام که آن‌ها در وقت‌هایی که کنار هم هستند و یا به‌صورت تلفنی و... در مورد پس‌انداز پول وام، نحوه استفاده و صرف آن صحبت کرده‌اند». همچنین: «حداقل خوبی صندوق‌ها این است که زنان کمی سرگرم و مشغول می‌شوند».

۵) شکل‌گیری شبکهٔ حمایتی: از تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با مشارکت‌کنندگان تحقیق و نیز تجربه مؤلف چنین به نظر می‌رسد که یکی از دلایل بالا بودن اعتماد در بین اعضاء، مبتنی بودن این صندوق‌ها بر روابط خویشاوندی، همسایگی

و دوستانه می‌باشد که عمدتاً از نوع چهره به چهره محسوب می‌شوند و این اعتماد می‌تواند به امور دیگری نیز گسترش بیابد. مصاحبه‌شونده‌ای که سرگروه نیز بود چنین گفته است:

«برای عضویت در صندوق‌های ما، برخلاف اعتبارات و صندوق‌های رسمی، نیاز به ضامن، شماره‌حساب، چک، سفته و... نیست چون به همدیگر اعتماد داریم البته ممکن است بعضی وقت‌ها مثلاً من یک یا دو عضو را به‌خوبی نشناسیم ولی چون سایر اعضاء آنان را می‌شناسند مشکلی ایجاد نمی‌شود».

شرکت‌کنندهٔ دیگر نیز بیان کرده است که:

«مایلم صندوق با همین اعضاء و یا افراد دیگر همیشه فعال باشد. البته افرادی که به دلیل ناموجهی بدحساب باشند در دورهٔ بعدی صندوق کنار گذاشته می‌شوند. اگر مشخص شود که مسئول یک صندوق بدون مشورت با سایر اعضاء نوبت دریافت وام را تغییر داده، در صورت فعال بودن صندوق، مسئولیت به شخص دیگری داده می‌شود».

بدین ترتیب شکل‌گیری و تقویت اعتماد متقابل و گروهی از مشخصه‌های صندوق‌های غیررسمی است. هراندازه این اعتماد متقابل، بیشتر به کار گرفته شود کیفیت و نیز گسترش آن به امور دیگر امکان‌پذیر می‌شود و به مرور موجب شکل‌گیری نوعی شبکهٔ حمایتی در بین زنان می‌شود.

۶) تسهیل آموزش: یکی از عوامل عدم ادامه تحصیل برای دختران، در کنار نگرش‌ها و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی خانواده‌ها، فاصله نسبتاً دور روستا تا مراکز دانشگاهی است که در سال‌های اخیر با گسترش و احداث دانشگاه‌هایی از قبیل پیام نور و علمی-کاربردی مشکل مسافت تا حدودی حل‌شده است ولی شهریه و هزینه‌های رفت‌وآمد هنوز برای خانواده‌های کم‌درآمد روستایی مشکل‌ساز است. در این راستا، صندوق‌های وام‌دهی توانسته‌اند در بعضی موارد به دختران و حتی پسران روستایی در ادامه تحصیل یاری رساند. یکی از مشارکت‌کنندگان گفته است که:

«چون شوهرم کارگر است و پرداخت شهریه تحصیل دخترم در دانشگاه پیام نور به‌صورت یکجا برای‌مان سخت است همیشه در صندوق‌های فامیل‌ها و همسایگان با مقدار وام کم که بازپرداخت آن‌ها راحت است عضو می‌شدم ولی هر وقت اسمم درآمده وام را تا زمان شهریه پس‌انداز می‌کردم».

آشکار است که تحصیلات دانشگاهی بر توانمندی زنان به‌ویژه دختران مؤثر است. رشد برخی از مهارت‌ها و یادگیری آن‌ها مستلزم خروج از منزل است و از مصادیق توانمندی به شمار می‌روند؛ زیرا علاوه بر کسب معلومات، ازدواج در سنین پایین را به تأخیر می‌اندازد که این نوع ازدواج از موانع رشد توانمندی زنان محسوب می‌شود.

۷) توانمندی در مدیریت مالی: زنانی که فاقد آگاهی و توان لازم دربارهٔ نحوهٔ اخذ وام از بانک‌های رسمی می‌باشند با مشارکت و عضویت در این صندوق‌ها، به‌تدریج در این زمینه نیز اطلاعات و آگاهی کسب می‌کنند و چه‌بسا به دریافت وام‌های کارآفرینی از منابع رسمی نیز اقدام نمایند. در این زمینه دو مصاحبه‌شونده نظرشان را به شیوه زیر ارائه کرده‌اند:

«من پنج سال است که سرگروه هستم. بعضی اعضای صندوق قبل از عضو شدن حتی حساب بانکی هم نداشتند البته برای عضویت داشتن حساب اجباری نیست. با آنان درباره پس‌انداز کردن وام صندوق در حساب شخصی، سپرده‌گذاری و کسب امتیاز برای دریافت وام‌های کم‌بهره از بانک و... نیز گفتگو می‌کردم».

«عضویت در صندوق‌ها موجب کسب تجربیات و آگاهی بیشتر در زمینه فعالیت صندوق‌ها و مقایسه آن‌ها با اعتبارات بانکی شده و به‌طورکلی با بحث‌های مالی آشنایی بیشتری پیدا می‌کنند».

۸) حفظ و افزایش تعاملات اجتماعی: بر اساس مصاحبه‌های انجام‌شده، یکی از مؤلفه‌هایی که زنان روستایی بر آن تأکید داشتند پیوندهای میان آنان بود که با این

صندوق‌ها تداوم و تقویت می‌شود. علاوه بر همیاری در امور اجتماعی، امکان دستیابی آنان به منابع و فرصت‌های اقتصادی را نیز میسر می‌کند. دو نفر از مشارکت‌کنندگان در مصاحبه خود گفته‌اند:

«این قرعه‌کشی‌ها (صندوق‌ها) به حفظ رابطه‌ها کمک می‌کنند اعضای گروه ما که اکثراً فامیل و آشنا هستیم حتی اگر درجایی دور از هم زندگی کنیم لااقل به خاطر اطلاع از پرداخت قسط‌ها و اینکه چه کسی انتخاب‌شده، از حال هم باخبر می‌شویم».

«چند سال است که ما باهم همکاری می‌کنیم دوست ندارم این روابط و همکاری قطع شود چون هم به لحاظ مالی و هم غیرمالی به دردمان می‌خورد».

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان که تجربه سرگروهی هم دارد چنین گفته است:

«اعضای صندوق یک گروه در واتساپ تشکیل دادیم که به اسم سرگروه هست البته ممکن است بعضی از اعضاء به دلایلی شخصاً عضو گروه نباشند ولی یکی از خانواده‌شان را به گروه اضافه می‌کنیم».

۹) احساس استقلال بیشتر: به باور زنان، زندگی در خانواده گسترده باعث صرف وقت و انرژی در کارهایی می‌شود که شاید برای خود زنان نتیجه مثبت و مشخصی نداشته باشد. رفتارها و حرف‌های کنایه‌آمیز و به عبارتی خشونت‌های کلامی را پای ثابت اکثر خانواده‌های گسترده می‌دانستند که نه‌تنها به رابطهٔ بین اعضای خانواده‌ها بلکه به روابط خویشاوندی نیز آسیب می‌رساند. به اعتقاد آن‌ها با زندگی در خانه مستقل، اختیارات زن و مرد و مخصوصاً اختیارات زن بیشتر می‌شود، دعواها و تعارضات خانوادگی کاهش می‌یابد و این موارد موجب ایجاد انگیزه و امیدواری برای شرکت زنان در امور مربوط به خانواده می‌گردد. برای مثال یکی از زنان شرکت‌کننده در تحقیق چنین گفته است:

«پس از جدا شدن من و شوهرم از خانواده‌ای که خیلی شلوغ بود علاقه و امیدواری بیشتری برای همکاری و نقش مؤثر در انجام امور خانواده‌ام پیدا

کردم در خانه مستقل، مسئولیتم درباره همه‌چیز مشخص هست و نیازی به بحث و مشاجره نیست».

در این زمینه یکی دیگر از زنان اظهار داشته که:

«با توجه به اینکه مبلغ وام یک صندوق در ماه اول به سرگروه تعلق می‌گیرد تصمیم گرفتم که یک صندوق تشکیل بدهم و با وام آن تقریباً پول رهن خانه ردیف شد و از آن موقع روابطم با خانواده شوهرم بهتر شده است».

بحث و نتیجه‌گیری

زنان به‌عنوان سرمایه‌ای انسانی، کم‌وبیش نیمی از جمعیت جوامع را به خود اختصاص می‌دهند. توسعه اقتصادی، اجتماعی و ... هر جامعه بدون احتساب وضعیت و نقش زنان امکان‌پذیر نیست. ازاین‌رو، بهبود پایگاه اقتصادی و اجتماعی و به‌طورکلی توانمندی زنان یکی از اهداف برنامه‌های موفق توسعه بوده است. زنان نیازمند و به‌ویژه زنان نیازمند روستایی ازجمله اقشار آسیب‌پذیر هستند که در تله‌ای از محرومیت به‌خصوص فقر گرفتارند. آنان در شرایطی می‌توانند نقش خود را در جامعه به نحو مناسب ایفا کنند که در زمینه‌های مختلف توانمند باشند. در این راستا پژوهش حاضر باهدف پی بردن به کارآمدی صندوق‌های مبتنی بر روابط خانوادگی- همسایگی زنان روستایی دهستان تنگ‌سیاب شهرستان کوهدشت در توانمندی آنان انجام شد. در ادامه ضمن تشریح چگونگی تشکیل، فعالیت و تداوم صندوق‌ها به‌عنوان نوعی همیاری در بین زنان روستایی، مؤلفه‌های توانمندی از دیدگاه آنان شناسایی و تحلیل شد.

صندوق‌های قرض‌الحسنه خانوادگی-همسایگی به‌طور نسبی توانایی سازگاری با علایق و روحیات مردم بومی، بهبود منزلت؛ تضعیف هنجارهای سنتی، ایجاد اشتغال و درآمدزایی، علاقه‌مندی به مشارکت در صندوق‌ها، شکل‌گیری شبکهٔ حمایتی، تسهیل سواد و آموزش، توانمندی در مدیریت مالی، حفظ و افزایش تعاملات اجتماعی و احساس استقلال بیشتر برای زنان عضو را به دنبال دارند. برمبنای مقولات یادشده

می‌توان گفت که در جامعه مورد مطالعه، تشکیل، عضویت و فعالیت مداوم در صندوق‌ها می‌تواند علاوه بر درآمدزایی و افزایش سرمایه مالی، تقویت سرمایهٔ انسانی را برای بسیاری از اعضاء به دنبال داشته باشد. در چنین شرایطی است که گروه‌های همیار زنان روستایی قادر می‌شوند به‌گونه‌ای هدفمند و آگاهانه از طریق همکاری سازنده با یکدیگر در راستای بهبود زندگی خود و خانواده‌هایشان گام بردارند و امکان مشارکت آزادانه در زندگی و اجتماع برای آنان فراهم می‌شود که پیامد کلی آن شکل‌گیری سرمایهٔ اجتماعی است.

بر اساس یافته‌های تحقیق، صندوق‌های شکل گرفته پیرامون شبکه روابط خانوادگی، همسایگی و دوستانه، از لحاظ اجتماعی بر توانمندسازی دختران و زنان روستایی نقش دارند؛ زیرا به افزایش قدرت تصمیم‌گیری آنان در خانه و محل زندگی و همچنین به شکل‌گیری روحیه کار مشارکتی در حال و آینده کمک می‌کنند. عضویت در این صندوق‌ها بر تحکیم روابط خانوادگی، مرتبط بودن آنان با شبکه‌ای از اقوام، همسایگان و دوستان که در مشکلات به یاری‌شان می‌شتابند و بر بهبود وضعیت زنان ازلحاظ اقتصادی و اجتماعی نقش دارد. درواقع، عضویت مداوم در این صندوق‌ها موجب شکل‌گیری گروهی از زنان همیار می‌گردد که پیوند آنان می‌تواند فارغ از حمایت مالی، حمایت عاطفی و فکری از یکدیگر را نیز به دنبال داشته باشد.

یافته‌های مطالعه حاضر نشان داد، که مؤلفه‌های اقتصادی توانمندی زنان روستایی در حد نسبتاً پایینی تحقق‌یافته‌اند و به‌موازات آن، توانمندی اجتماعی آنان تا حدودی حاصل شده است و زنان توانسته‌اند در خانه و جامعه محلی بیشتر از قبل تأثیرگذار باشند. عضویت زنان در این صندوق‌ها فرصت شرکت در فعالیت‌های اقتصادی در سطح محدود را برای آنان فراهم می‌کند. همچنین به دلیل دسترسی آسان به این صندوق‌ها برای زنان، امکان فعالیت طولانی‌مدت آن‌ها برایشان فراهم است و زنان را به شکل شبکه‌ای از افراد همیار به یکدیگر پیوند می‌دهد. باوجوداین، بر اساس اظهارات مشارکت‌کنندگان، این صندوق‌ها می‌توانند پیامد منفی نیز داشته باشند به‌عنوان‌مثال

وام‌های صندوق ممکن است در امور غیرضروری مصرف شوند و یا به مهاجرت از روستا به شهر کمک کنند. همچنین می‌تواند در فعالیت‌های دامداری و کشاورزی کم‌بازده و پرمخاطره هزینه گردد. این موضوع موجب آسیب‌پذیری برخی از زنان در مسیر توانمندسازی شده است.

همچنین یافته‌ها بیانگر این است که این نوع همیاری‌ها برخلاف بسیاری از برنامه‌های مشارکتیِ رسمی که از سوی سازمان‌های دولتی برای توانمندسازی زنان فقیر روستایی ارائه می‌شوند؛ در جامعه روستاییِ موردمطالعه بر مبنای نیاز، محدودیت منابع و شرایط سخت اقتصادی و نیز حس نوع‌دوستی شکل‌گرفته‌اند و دست‌کم می‌توان گفت که موجب تزریق روح تعاون و همکاری و احساس اثربخشی به زنانی شده‌اند که مدت‌زمان بیشتری در صندوق‌ها عضویت داشته‌اند و درواقع، گونه‌ای از شبکهٔ حمایتی را بین زنان روستایی شکل داده که در مواقع ضروری و مشکلات ناگهانی و روزمره به آنان یاری می‌رساند.

در مجموع، با توجه به امکانات و ظرفیت‌های روستاهای موردمطالعه، مؤلفه‌های توانمندی از نگاه زنان مشارکت‌کننده در پژوهش و چگونگی نحوهٔ تشکیل، فعالیت، گسترش و تداوم صندوق‌های وام‌دهی غیررسمی، می‌توان مدعی شد که این صندوق‌ها به‌مثابه الگویی متناسب با شرایط و زمینه‌های فرهنگی–اقتصادی، به‌طور خاص موجب روشن شدن چشم‌انداز توانمندسازی گشته‌اند چراکه توانمندسازی امروزه، جز با تغییر وضعیت زنان در شرایط زندگی، میسّر نیست. لازم به بیان است که توانمندی حالت فرایندی و نسبی دارد و نمی‌توان نقطهٔ پایانی را برای آن مشخص کرد. علاوه بر این، آشکار است که عوامل و مؤلفه‌های توانمندساز زنان به‌نوعی درهم‌تنیده‌اند. هرکدام از آن‌ها، در شرایط خاص خود و شرایط خاص زندگی و نیز باوجود ارتباط با مؤلفه‌های دیگر قابل درک و مطالعه است.

در واقع مؤلفه‌های کشف شده در طی فرایند تحقیق، همگی در کنار هم به بهبود جایگاه و سطح زندگی زنان و نهایتاً به توانمند شدن آنان یاری می‌رسانند. به‌طورکلی

نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق با یافته‌های محمدی و همکاران (۱۳۹۷)، مظفری و ضیائی (۱۳۹۶)، علیرضانژاد (۱۳۹۲) در حوزه تحقیقات داخلی و یافته‌های میوکس (۲۰۰۱) و دررا و همکاران (۲۰۱۴) در تحقیقات خارجی؛ مبنی بر تأثیر اعتبارات خُرد بر فقرزدایی، توانمندی فردی و جمعی زنان تا حدودی همخوانی دارد.

پیشنهادهای پژوهش

– پیشنهاد می‌گردد که محققان علاقه‌مند درزمینه توسعه پایدار روستایی و به‌ویژه توانمندسازی زنان، زمینه‌ها، دلایل و عوامل عدم مشارکت زنان روستایی در برنامه‌ها و فعالیت‌های توانمندساز را موردمطالعه قرار دهند.

– ازآنجاکه بسیاری از زنان عضو به دلیل عدم تجربه سرمایه‌گذاری در مشاغل خرد، خانگی و... برنامه هدفمندی برای مصرف وام ندارند، پیشنهاد می‌گردد دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های کارآفرینی با حضور و حمایت متخصصان امر دربارهٔ چگونگی استفاده از وام در زمینه‌های سودآور –بر اساس ظرفیت منطقه– برگزار شود.

– ارائه تسهیلات بانکیِ با بهره کم در کنار سرمایه چنین صندوق‌هایی به راه‌اندازی و رونق کسب‌وکار خُرد متناسب با حوزه مطالعاتی کمک می‌کند.

– با توجه به اهمیت بومی‌سازی دانش و اقدامات تجربی در حوزه توانمندسازی به محققان حوزه توسعه محلی پیشنهاد می‌گردد که پژوهش‌های طولی و بیشتری دربارهٔ تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های همیار محلی برای توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر به‌ویژه زنان فقیر روستایی بر اساس فرهنگ مناطق انجام گیرد.

منابع

- ازکیا، مصطفی و ایمانی، علی. (۱۳۸۷)، ***توسعه پایدار روستایی***، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ایمان، محمدتقی. (۱۳۹۳)، ***فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی***، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.
- تاراسی، زهرا؛ کریم‌زاده، حسین و آقاهیر، محسن. (۱۳۹۸)، «بررسی عوامل و محرک‌های مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی (مورد مطالعه: شهرستان زنجان)»، ***نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی***، سال ۱۹، شماره ۵۴: ۲۳۷ تا ۲۵۷.
- دیلینی، تیم. (۱۳۹۲)، ***نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی***، ترجمه: بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، تهران: نشر نی.
- رسول‌اف، جلال. (۱۳۸۱)، «زنان روستایی و اعتبارات خُرد، خوداتکایی». ***مجموعه مقالات همایش اعتبارات خُرد زنان روستایی***، (جلد اول: ۳۷۸- ۳۵۶). تهران: وزارت جهاد کشاورزی (دفتر امور زنان روستایی).
- سن، آمارتیا. (۱۳۸۵)، ***توسعه یعنی آزادی***، ترجمه: محمدسعید نوری نائینی. تهران: نشر نی.
- شادی‌طلب، ژاله. (۱۳۸۱)، ***توسعه و چالش‌های زنان در ایران***، تهران: نشر قطره.
- شادی‌طلب، ژاله؛ وهابی، معصومه و ورمزیار، حسن. (۱۳۸۴)، «فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار»، ***فصلنامه رفاه اجتماعی***، دوره ۴، شماره ۱۷: ۲۴۷- ۲۲۷.
- شکوری، علی، رفعت جاه، مریم و جعفری، معصومه. (۱۳۸۶). «مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آن‌ها». ***فصلنامه زن در توسعه و سیاست***، دوره ۵، شماره ۱: ۲۶-۱.
- شهبازی، حسن. (۱۳۸۳)، «مشارکت، راهکار اصلی توانمندسازی زنان»، ***مجلهٔ اقتصاد تعاون***، دوره ۱۳، شماره ۱۵۴: ۸۹-۸۴.
- صالحی چگنی، مجتبی؛ رحیمیان، مهدی و غلامرضایی، سعید. (۱۳۹۷)، «واکاوی راه‌کارهای صندوق‌های اعتبارات خُرد در توانمندسازی زنان روستایی – مورد مطالعه: استان لرستان»، ***مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران***، دوره ۲، شماره ۴: ۶۸۷- ۶۷۵.
- طالب، مهدی و نجفی اصل، زهره. (۱۳۸۶)، «پیامد اعتبارات خُرد روستایی بر توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار: نگاهی به نتایج طرح حضرت زینب کبری (س) در روستاهای بویین‌زهرا»، ***فصلنامه روستا و توسعه***، دوره ۱۰، شماره ۳: ۱- ۲۷.

- علاءالدینی، پویا و جلالی موسوی، آزاده. (۱۳۸۹)، «ارزیابی اثربخشی برنامه پشتیبانی خدمات مالی خرد و صندوق اعتبارات خُرد زنان روستایی در ایران»، ***فصلنامه توسعه محلی (توسعه روستایی سابق)***، دوره ۲، شماره ۲: ۶۱- ۷۶.
- علیرضا نژاد، سهیلا. (۱۳۹۲)، «گونه‌شناسی صندوق‌های قرض‌الحسنه و توانمندی زنان: مدل سنتی اعتبارات خُرد در ایران»، ***مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران***، دوره ۵، شماره ۲: ۹۱ -۱۰۳.
- فرخی، طاهره. (۱۳۷۶)، «نقش زنان در توسعه پایدار، تواناسازی زنان»، ***ماهنامه تعاون***، شماره ۷۴: ۷۶ -۱۰۲.
- فرضی زاده، زهرا. (۱۳۹۳)، «بررسی آثار صندوق اعتبارات خُرد بر رشد توانمندی زنان روستایی»، ***همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی***، مشهد. فرضی زاده، زهرا؛ متوسلی، محمود و طالب، مهدی. (۱۳۹۲)، «بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی، درک بومی از آن، عوامل مؤثر بر رشد آن و موانع در جامعه زنان روستایی»، ***فصلنامه توسعه محلی (روستایی - شهری)***، دوره ۵، شماره ۱، ۴۰- ۱.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۸)، ***انسان شناسی یاریگری***، تهران: نشر ثالث
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۰)، ***واره***، تهران: وزارت جهاد کشاورزی معاونت ترویج و مشارکت مردمی، چاپ اول.
- فیروزآبادی، سید احمد و فرضی زاده، زهرا. (۱۳۸۸)، «بررسی مقایسه‌ای گذشته و حال فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی در خانواده-مطالعه موردی روستای میانده از توابع شهرستان صومعه‌سرا- گیلان»، ***فصلنامه توسعه محلی (روستایی - شهری)***، دوره ۱، شماره ۱: ۶۵-۳۵.
- کولایی، الهه و حافظیان، محمدحسین. (۱۳۹۴)، ***نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی***، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- محمدی، یاسر؛ عواطفی اکمل، فرشته و ضمیری آراسته، مینا. (۱۳۹۷)، «اثرات تأمین مالی خرد و توانمندی زنان روستایی در استان‌های کرمانشاه و همدان»، ***فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی***، سال ۷، شماره ۴: ۱۶۹ تا ۱۸۸.

- مظفری، محمدمهدی و ضیائی، محمدصادق. (۱۳۹۶)، «بررسی اثرات صندوق اعتبارات مالی خرد بر میزان توانمندسازی مدیریتی زنان روستایی منطقه الموت»، ***فصلنامه دانش سرمایه‌گذاری***، سال ۶، شماره ۲۴: ۲۳۱ تا ۲۴۹.
- معظمی، میترا. (۱۳۸۰)، ***راهنمای آموزش طراحی برنامه‌های مالی خرد***. تهران: وزارت جهاد کشاورزی (دفتر امور زنان روستایی).
- موحدی، رضا؛ حاجی هاشمی، زهرا و محمدی، نوشین. (۱۳۹۸)، «عوامل اثرگذار بر کارآمدی پروژه‌های توانمندسازی زنان روستایی (مورد: تعاونی‌های خرد اعتباری در استان اصفهان)»، ***فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی***، سال ۸، شماره ۱: ۱۶۱ تا ۱۸۲.
- نگین، وحیده. (۱۳۸۴)، «نقش تأمین مالی خرد در کاهش فقر». ***فصلنامه تأمین اجتماعی***، دوره ۷، شماره ۲۲: ۵۹ -۴۱.

- Alsop, Ruth., Mette Bertelsen, and Jeremy Holland. (۲۰۰۶). ***Empowerment in practice: From analysis to implementation***. The World Bank.
- Deininger, Klaus, and Yanyan Liu. (2013). " Economic and social impacts of an innovative self-help group model in India" . ***World Development***, *43*, 149-163.
- Derera, Evelyn, Pepukayi Chitakunye, and Charles O'Neill. (2014). " The impact of gender on start-up capital: A case of women entrepreneurs in South Africa" . ***The Journal of Entrepreneurship***, *23*(1), 95-114.
- Diiro, Gracious. M., Greg Seymour; Menale Kassie; Geoffrey Muricho, and Beatrice Muriithi. (2018). Women's empowerment in agriculture and agricultural productivity: Evidence from rural maize farmer households in western Kenya. ***Plos one***, *13*(5), 1- 27.
- Elyachar, Julia. (2010). Phatic Labor, Poor Theory, and Revisiting Empowerment in Cairo. ***Critical Theory Institute****, UCI.*
- Grasmuck, Sherri, and Rosario Espinal. (2000). " Market success or female autonomy? Income, ideology, and empowerment among microentrepreneurs in the Dominican Republic" . ***Gender & society***, *14*(2), 231-255.
- Grootaert, Christiaan. (2003). " On the relationship between empowerment, social capital and community driven development" . ***World Bank Working Paper***, (33074).

- Marguerite, Robinson. (2002).***The Microfinance Revolution***, Chapter 1 and 2 Washington, DC, World Bank.
- Matin, Imran., David Hulme, and Stuart Rutherford. (2002). " Finance for the poor: from microcredit to microfinancial services" . ***Journal of international development*****,** 14(2), 273-294.
- Mayoux, Linda . (2001). " Tackling the down side: Social capital, women's empowerment and micro finance in Cameroon". ***Development and change***, *32*(3), 435-464.
- Peterson, N. Andrew, and Joseph Hughey. (2004). "Social cohesion and intrapersonal empowerment: Gender as moderator". ***Health education research***, 19(5), 533-542.
- Rowlands, Jo. (1995). "Empowerment examined". ***Development in practice***, 5(2), 101-107.
- Thomas, James, and Angela Harden. (2008). "Methods for the thematic synthesis of qualitative research in systematic reviews". ***BMC Medical Research Methodology***, *8*(45), 1-10.
- Ugbomeh, George. (2001). "Empowering women in agricultural education for sustainable rural development". ***Community Development Journal***, 36(4), 289-302.
- Van Maanen, Gert. (2004). ***Microcredit: sound business or development instrument***. SGO Uitgeverij.
- Weber, Olaf, and Adnan Ahmad. (2014). "Empowerment through microfinance: The relation between loan cycle and level of empowerment". ***World Development***, *62*, 75-87.